



بسم الله الرحمن الرحيم

در آغاز از همه ی شما برادران و خواهران، مخصوصاً خانواده‌های معظم شهدای عالی‌قدرمان و علمای اعلام و مجاهدان فی سبیل الله که از راه‌های دور و نقاط مختلف و در هوایی سرد تشریف آوردید، تشکر می‌کنم. خدا را شکرگزاریم که یکبار دیگر ملت بزرگ ما، با احساس قدرت و عافیت و عزت، در آستانه‌ی دهه‌ی فجر و روزهای نورانی و پرخاطره‌ی پیروزی انقلاب قرار گرفت.

اگرچه ما امسال در حالی یادبود ورود امام بزرگوارمان به کشور و ایجاد تحول عظیم انقلاب به دست آن بزرگمرد را گرامی می‌داریم که او در میان ما نیست و این فقدان برای همه‌ی ما غمی جانگداز و سنگین است، اما اگر امام نیست، خدای او و راه و رهنمودها و انگشت اشاره‌ی نورانی او که همیشه ما را به راه راست هدایت می‌کرد، هست. مهم این است که ما کار بزرگ امام را بشناسیم و قدر بدانیم.

از قرن‌های سلطه‌ی مستبدان بر این کشور بگذریم که کشور ما جز در برهه‌هایی بسیار اندک و ناچیز در طول تاریخ، دایماً مبتلا به تسلط مستبدان و حکام خودخواه و خونخوار بود. همچنین از آنچه در دوران طولانی استبداد بر ملت ما گذشت و دایماً ملت ایران به وسیله‌ی مستبدان خودکامه تحقیر شد، فعلاً حرفی نمی‌زنیم؛ اما در مدت دویست سال تا هنگام ظهور و اوج نهضت اسلامی، ملت ایران توسط تحمیل‌های ظالمانه‌ی دشمنان مسلط خارجی، دایماً تحقیر شد و زیر فشار قرار گرفت.

از روزی که پای خارجیها به عنوان قدرتهای مسلط آن روز عالم، به این کشور باز شد، دخالت سیاستهای خارجی در کشور ما شروع گردید. اول انگلیسیها آمدند، بعد به رقابت با آنها، روسهای تزاری دخالت کردند. سالهای متمادی در کشور ما، بین این دو بر سر اعمال نفوذ بیشتر رقابت بود تا این که با روی کار آمدن سلسله‌ی منحوس پهلوی، حاکمیت انگلیسیها به طور کامل در ایران تحکیم شد و بعد هم با گذشت دو سه دهه، امریکاییها وارد میدان شدند و قدرت شیطانی و اهریمنی و عیارانه و دزدانه و خباثت‌آمیز خودشان را سالها بر کشور و ملت ما ادامه دادند. در طول این دویست سال، ملت ایران از خود رأیی نداشت. بر ثروت خویش مسلط نبود و از پیشرفت علم و صنعت در دنیا بی‌بهره بود و امید درستی هم به آینده نداشت. اگر در گذشته - قبل از دوران استعمار و دخالت خارجیها در کشور ما - حکام ایرانی و داخلی بر مردم جفا و ستم می‌کردند و زور می‌گفتند، در طول دوران ورود قدرتهای استعماری به ایران، هم سلطه‌ی مستبدان بود، هم اعدامهای بی‌محاکمه رواج داشت، هم زورگوییهای بی‌حدوحصر و فشارهای فراوان و اختناقهای بی‌اندازه بر ملت ما روا داشته می‌شد و هم مستبدان به وسیله‌ی قدرتهای بیگانه حمایت می‌شدند و قدرت آنها مضاعف می‌گردید و ثروت کشور ما هم به وسیله‌ی هر دو - هم حکام داخلی مستبد و هم خارجیهای زورگو - به باد غارت می‌رفت.

بر ملت ایران در طول قریب دو قرن چه گذشت؟ وقتی کتابهای مستشرقانی را می‌خوانیم که در این مدت به ایران آمدند تا از خوان گسترده‌یی که به وسیله‌ی حکام به یغما می‌رفت، استفاده کنند، هر انسان غیوری در وجود خود احساس تنگدلی و فشار می‌کند و خجالت می‌کشد که این گونه بیگانه‌ها را بر زندگی و مال و جان و سرنوشت سیاسی مردم مسلط کردند و این‌طور ملتی بزرگ و با استعداد و نیرومند - مثل ملت ایران - را به زنجیر کشیدند و زیر فشار قرار دادند.

درست است که استعمار به صورت صریح و آشکار به کشور ما وارد نشد و مثل هند و الجزایر حکومت تشکیل نداد، اما حکامی که استعمار به وسیله‌ی آنها در ایران اعمال نفوذ می‌کرد، مثل عوامل و ایادی خود آنها برای استعمار عمل می‌کردند. از درون، ملت را خوردند و نابود کردند و عقده‌های این دویست سال - بخصوص در چند سال اخیر که فرهنگ اسلامی و استعداد و آرزوهای سیاسی مردم از سوی استعمارگران و قدرتهای دخالتگر، بکلی به باد استهزا گرفته شده بود - در مردم ما انباشته گردید.



ملت ما برای این که حرکتی انجام بدهند، آماده بودند. رهبر بزرگ و تفکر صحیحی لازم بود که آنها را هدایت بکند. این تفکر صحیح، همان تفکر اسلامی بود که در اعماق جان مردم، ریشه‌ی ایمانی و اعتقادی داشت و آن رهبر و انسان بزرگ هم، همان بزرگمردی بود که خدا او را برای نجات این ملت، بلکه نجات همه‌ی مستضعفان - بخصوص مسلمانها در زمان و قرن ما - برگزید و این انقلاب عظیم انجام گرفت.

قلمهای مزدور موزی دست‌نشانده‌ی صهیونیستها و امریکاییها و دیگر دشمنان اسلام در دنیا، قریب یازده سال است که می‌نویسند: تا کنون دستاورد این انقلاب در ایران چه بوده است؟! آنها کمبودها را بزرگ می‌کنند و به چشم و رخ مردم می‌کشند. آنها نمی‌دانند که وقتی حرکتی در کشوری انجام گرفت و ملت را وارد صحنه کرد و به ملت شخصیت داد و حکومت و دولت و مدیریت کشور را از درون خود ملت بالا آورد و عقاید و ایمان مردم را بر زندگی آنها حاکم قرار داد و این ملت زنده شد و احساس شخصیت کرد، دیگر در جلوی این ملت، راه باز است. مشکل اساسی ما این بود که به وسیله‌ی استعمار، با دهها زنجیر بسته شده بودیم. این زنجیرها، زنجیر سیاسی و اقتصادی و فرهنگی و استبداد یک حکومت دست‌نشانده و بی‌اعتقادی این ملت به خود بود. استعمار، اعتقاد و ایمان ملت به خودش را از او گرفته بود؛ اما انقلاب، زندگی و نشاط و ایمان مردم را به آنها برگرداند. ما امروز، یک ملت زنده هستیم و به همین دلیل است که در طول این یازده سال، در کشور ما به قدری کار و تلاش و خدمت مفید انجام گرفته است که در دوران آن حکومت‌های جایر، امکان نداشت چنین کارهایی در چند برابر این زمان انجام بگیرد؛ چون خود مردم در صحنه‌اند و ثروتشان در دست امنای خودشان است و مسؤولان کشور به سرنوشت ملت علاقه‌مندند و از میان خود مردمند و بر رفتار مدیران کشور، ایمان و تعهدات اسلامی حاکم است. قبل از این انقلاب، اینها کجا بود؟ همه‌ی اینها به برکت اسلام و انقلاب و آن انسان بزرگ و آن امام به حق و حقیقتا وارث پیامبران و شخصیت برجسته‌ی دوران ماست. عظمت و شخصیت امام و قیام ملت نیز به برکت اسلام بود.

من، می‌خواهم به ملت عزیزمان بگویم که دهه‌ی فجر و بیست و دوم بهمن را قدر بدانید. این خاطره، بزرگترین خاطره‌ی ملت ما بعد از ورود اسلام به سرزمین و مرزهای ماست. البته، دشمنان اسلام و انقلاب، با یاد دوران پیروزی انقلاب دشمنند؛ اما علی‌رغم میل آنها، خاطره‌ی انقلاب را بزرگ بشمارید. در طول این ده سال، همیشه دشمنان ما خواسته‌اند به این انقلاب خدشه وارد کنند و سیمای منور امام را مخدوش نمایند. شما با گرامیداشت دهه‌ی فجر، تمایل دشمن را خنثی کنید.

کسانی که دم از طرفداری از حقوق بشر می‌زنند و در یک چشم به هم زدن، حقوق ملتی را پامال می‌کنند؛ امریکاییهایی که ادعای طرفداری از حقوق بشر می‌کنند و با رژیم‌هایی که اولین پایه‌های دموکراسی و آزادی و حقوق انسان در کشورشان وجود ندارد، صمیمیت‌ترین دوستیها را دارند و به آنها انتقاد نمی‌کنند؛ کشورهایی که حتی پارلمان ندارند و در کشورشان از حضور سیاسی مردم خبری نیست و چنین پدیده‌ی از نظر سردمداران امریکا عیب محسوب نمی‌شود؛ با اسلام مخالف هستند و در حقیقت، آنچه که آنها با او روبه‌رو می‌باشند، اسلام است. آنها، دایما می‌خواهند از اسلام عیبجویی کنند و ایراد بگیرند. ملت ما به هر کیفیتی که زندگی بکند و به هر پیشرفتی که نایل بشود، در همه‌ی جریانهای زندگی، دشمن از بدگویی نسبت به انقلاب و کشور و نظام اسلامی، باز نخواهد نشست. کاری که دشمن می‌تواند بکند، تبلیغ علیه اسلام و انقلاب است. علی‌رغم این عمل دشمن، شما دستاورد بزرگ انقلابتان را قدر بدانید و اسلام و نظام اسلامی و انقلابی و راهی را که امام در مقابل ملت ما ترسیم کردند، حفظ کنید. امام، راه آزاد زیستن، کامل شدن، ساختن زندگی به شکلی که مورد رضای خدا و دستور اسلام است، سازندگی حقیقی زندگی و عدم سازش با قدرتهای ضداسلامی را به ما نشان داد. اینها، برای ما درسهای بیست و دوم بهمن است.

بیست و دوم بهمن، عید حقیقی برای ملت ماست. بیست و دوم بهمن، برای ملت ما در حکم عید فطری است که ملت در آن، از یک دوران روزه‌ی سخت خارج شد؛ دورانی که محرومیت از تغذیه‌ی معنوی و مادی را بر ملت ما تحمیل کرده بودند. بیست و دوم بهمن، در حکم عید قربان است؛ زیرا در آن روز و به آن مناسبت بود که ملت ما



اسماعیل‌های خودش را قربانی کرد. بیست و دوم بهمن، در حکم عید غدیر است؛ زیرا در آن روز بود که نعمت ولایت، اتمام نعمت و تکمیل نعمت الهی، برای ملت ایران صورت عملی و تحقق خارجی گرفت.

مسئولان برگزار کننده‌ی دهه‌ی فجر، باید تا آن جا که در وسعشان است، با برنامه‌های خوب و متنوع و پرمغز و پرمعنا، مردم را با حقیقت این دهه آشنا کنند. همچنین برادران مسئول زندانها - که امیدواریم ان شاء الله رفتار آنها با زندانیان، درست طبق همان رفتار اسلامی باشد - کسانی را که می‌توانند مشمول عفو بشوند، مشخص کنند. هیأت عفو هم که از طرف حضرت امام (ره) مأمور شده بودند، ان شاء الله با همان علاقه‌مندی و پشتکار، مسئولیت بزرگ خودشان را تعقیب کنند و بتوانند کسانی را که مستحق رحمت اسلامی هستند، مشخص نمایند. ان شاء الله خداوند بر همه‌ی آحاد ملت ما، باران فضل و رحمت خود را نازل کند و آنها را مشمول برکات مادی و معنوی خود قرار بدهد.

والسلام علیکم و رحمه الله و برکاته